

شناسایی مؤلفه‌ها و سطوح اقتصاد دانش‌بنیان در ورزش (رویکردی کیفی)

مریم امینی^۱، ناهید اتقیا^۲، رسول نوروزی سیدحسینی^۳

۱. کارشناسی‌ارشد مدیریت ورزشی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

۲. دانشیار مدیریت ورزشی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۳. استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۱۲

چکیده

از آنجاکه دانش مهم‌ترین منبع در اقتصاد دانش‌بنیان است، اقتصاد در ورزش نیز تحت تأثیر این روند تکاملی، ماهیتی دانش‌بنیان به خود گرفته است. این پژوهش با هدف شناسایی مؤلفه‌ها و سطوح اقتصاد دانش‌بنیان در ورزش، با روش پژوهش کیفی و با ماهیت اکتشافی- بنیادی انجام شده است. با روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی و براساس مصاحبه‌های عمیق با متخصصان، داده‌های پژوهش جمع‌آوری شدند. براساس نظریه داده‌بنیاد و با رویکرد ساخت‌گرا داده‌ها کدگذاری و تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان داد که اقتصاد دانش‌بنیان در ورزش به سه سطح اقتصاد دانش‌بنیان معطوف به فرد، اقتصاد دانش‌بنیان معطوف به سازمان و اقتصاد دانش‌بنیان معطوف به جامعه دسته‌بندی می‌شود. در اقتصاد دانش‌بنیان معطوف به فرد مؤلفه‌های نهادینه‌سازی دانش و مدیریت دانش، در اقتصاد دانش‌بنیان معطوف به سازمان مؤلفه الزامات و بسترهای اقتصاد دانش‌بنیان، در اقتصاد دانش‌بنیان معطوف به جامعه مؤلفه توسعه علمی و همچنین در تعریف اقتصاد دانش‌بنیان در ورزش مؤلفه کلان‌نگری بیشترین تأکید را داشتند. به‌صورت کلی، می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که در اقتصاد دانش‌بنیان در ورزش، تولید و توزیع مبتنی‌بر کاربرد دانش و اطلاعات در عرصه ورزش است و با توجه به اهمیت آن برای سیاست‌گذاران ورزش، باید اقدامات و پیش‌نیازهای لازم با در نظر گرفتن سطوح و مؤلفه‌های آن فراهم شود.

واژگان کلیدی: اقتصاد، اقتصاد دانش‌بنیان، توسعه اقتصادی، ورزش، روش کیفی.

1. Email: amini71.maryam@gmail.com

2. Email: N.atghia@Alzahra.ac.ir

3. Email: Rasool.norouzi@modares.ac.ir

مقدمه

دانش، یکی از نیروهای بسیار مؤثر در تحولات اقتصادی و اجتماعی به‌شمار می‌رود و کالایی عمومی^۱ در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا، می‌توان دانش را بدون کاهش و استهلاک با دیگران به‌اشتراک گذاشت. در عین حال، این مشخصه‌ای منحصر به فرد برای این کالای عمومی محسوب می‌شود که برخلاف سایر کالاهای فیزیکی (مثل سرمایه، دارایی‌های مادی و منابع طبیعی) استفاده از آن از کمیتهش نمی‌کاهد؛ به این ترتیب، دانش به‌عنوان یک منبع دائمی همواره در اختیار بنگاه‌های اقتصادی قرار می‌گیرد و با مشارکت مکرر در فرایندهای گوناگون تولیدی و خدماتی، سبب افزایش مزیت رقابتی و ایجاد ارزش افزوده می‌شود که این امر می‌تواند موجب گسترش رفاه اجتماعی، عامل کاهش فقر و بی‌عدالتی و موجب ارتقای روند توسعه پایدار شود؛ از این رو، می‌توان چنین استنباط کرد که نقش دانش و آموزش در تحقق اهداف توسعه‌ای بسیار بارز است و ارتباط آن با توسعه پایدار اجتناب‌ناپذیر است (امجدی، رهبری و سلطانی، ۲۰۱۲، ۸۸). اصطلاح «اقتصاد دانش‌بنیان»^۲ که نخستین بار توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۳ مطرح شد، گویای نقش مهم دانش و فناوری در جریان اقتصاد است (کمیته اقتصادی آپک^۴، ۲۰۰۱، ۴۰) و می‌توان گفت که اقتصاد دانش‌بنیان حداقل به دو ویژگی اقتصاد نوین^۵ اشاره می‌کند:

- در اقتصاد دانش‌بنیان، دانش از نظر کیفی و کمی بااهمیت‌تر از گذشته است؛
 - کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات^۶ عامل محرکه اقتصاد جدید است (معمارنژاد، ۲۰۰۳).
- در این زمینه برخی از پژوهشگران تأثیر دانش را با به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در جامعه بررسی نموده و این‌طور استدلال می‌کنند که فناوری اطلاعات- ارتباطات و به‌ویژه اینترنت با از میان برداشتن موانع موجود، زمینه را برای اقتصاد مبتنی بر دانش فراهم می‌کند (معمارنژاد، ۲۰۰۳، ۸۸؛ میلز^۷، ۲۰۰۰). توجه به نقش دانش در اقتصاد و توسعه اقتصادی موضوع جدیدی نیست؛ به طوری که آدام اسمیت^۸ در قرن هجدهم میلادی به نقش تخصص در تولید و اقتصاد توجه داشته است و فردریک لیست^۹ تأکید کرده است که خلق و توزیع دانش به بهبود کارایی در اقتصاد کمک شایان توجهی می‌کند. طرفداران شومپتر^{۱۰} نظیر هیرشمن^{۱۱}،

1. Public Goods
2. Knowledge Based Economy (KBE)
3. Organization for Economic Corporation an Development (OECD)
4. APEC Economic Committee
5. New Economy
6. Information Communication Technology (ICT)
7. Miles
8. Adam Smith
9. Friederich list
10. Schumpeter
11. Hirschman

گالبرایت^۱ و گودین^۲ به نقش ابداع و نوآوری در پویایی اقتصاد توجه خاصی داشته‌اند و رومر و گروسمن^۳ نیز با ارائه نظریه جدید در زمینه سرمایه انسانی، برای علم و دانش در بلندمدت اقتصادی نقش عمده‌ای را قائل می‌شوند (معمارنژاد، ۲۰۰۳)؛ باوجوداین، تفاوت‌های دیدگاه‌های گذشته و امروز در توجه به نقش دانش به‌طور خلاصه عبارت‌اند از:

- در گذشته (قرن‌های نوزدهم و بیستم) عوامل محسوسی نظیر سرمایه فیزیکی، نیروی کار و منابع طبیعی به‌عنوان عوامل تولید و عناصر رشد اقتصادی مدنظر بوده‌اند، ولی امروزه (قرن بیستویکم) علاوه بر عوامل یادشده، عوامل غیرمحسوسی نظیر دانش، اطلاعات و ویژگی‌های فرهنگی را به‌عنوان منبع جدید رشد اقتصادی در نظر می‌گیرند؛

- در گذشته فناوری و دانش به‌عنوان عوامل برون‌زا بر تولید و رشد اقتصادی تأثیر داشته‌اند، ولی امروزه اعتقاد بر این است که این عوامل درون‌زا هستند و بر کارایی همه عوامل و منابع رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارند (گودین^۴، ۲۰۰۶؛ امجدی و همکاران، ۲۰۱۲).

در زمینه اقتصاد دانش‌بنیان شاخص‌های گوناگونی ارائه شده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به شاخص سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا-پاسفیک، چارچوب هاروارد و روش‌شناسی ارزیابی دانش بانک جهانی اشاره کرد. چارچوب شاخص اقتصاد دانش‌بنیان همکاری‌های اقتصادی آسیا-پاسفیک دارای تقسیم‌بندی خلق دانش، تحصیل و یادگیری دانش، انتشار و کاربرد دانش است. خلق دانش براساس سیستم ابداعات ملی، تحصیل و یادگیری دانش با توسعه منابع انسانی، انتشار دانش با لحاظ زیرساخت‌های فناوری اطلاعات-ارتباطات و به‌کارگیری دانش با توجه به محیط کسب‌وکار مشخص می‌شود (فورای و لوندوال^۵، ۱۹۹۸، ۱۱۷؛ کود و لیدستروف^۶، ۲۰۰۶، ۵). با توجه به شاخص‌های مطرح‌شده برای اقتصاد دانش‌بنیان می‌توان بیان کرد که این شکل از اقتصاد امروزه می‌تواند نقش مهمی در رشد و توسعه کشورها داشته باشد. براساس اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور، ایران باید به کشوری توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌المللی تبدیل شود (سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴)، اما مطالعه آخرین گزارش توسعه انسانی (۲۰۱۷) از شاخص رشد و توسعه نشان‌دهنده آن است که ایران در رتبه ۱۲۷ جهان و در بین

-
1. Galbraith
 2. Godwin
 3. Romer & Grossman
 4. Godin
 5. Foray & Lundvall
 6. Cooke & Leydesdorff

۷۴ کشور در حال توسعه در رتبه ۲۷ قرار گرفته است (بلانکو، مارتینز و نوتاریو^۱، ۲۰۱۷). لازم است ذکر شود که برای تهیه شاخص رشد و توسعه مهمترین عوامل، عوامل سازنده رشد و توسعه هستند که شامل سرانه تولید ناخالص داخلی در یک کشور، میزان بهره‌وری نیروی کار، سطح اشتغال، نرخ بیکاری و در نهایت امید به زندگی سالم در کشور می‌شوند. این آمار نشان می‌دهد که باید برای بهبود شاخص‌های توسعه‌یافتگی و افزایش رشد اقتصادی گامی مؤثر برداشته شود (بانک جهانی^۲، ۲۰۱۵). با توجه به مطالب مطرح شده باید خاطرنشان کرد که برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی و اهداف سند چشم‌انداز توسعه باید به همه استعدادها موجود در بخش‌های گوناگون جامعه توجه کرد. لازمه این امر، شناخت این ظرفیت‌هاست تا بدین‌وسیله بتوان جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی ایران را ارتقا بخشید و عقب‌ماندگی‌های گذشته را جبران کرد و به هدف تعیین شده در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی دست یافت.

شاید بتوان گفت یکی از ابزارهای مهم برای بهبود شاخص‌های توسعه‌یافتگی کشور، بهره‌گیری از اقتصاد ورزش است؛ زیرا ورزش نه تنها در سطح ملی یک صنعت درآمدزاست، بلکه می‌تواند به توسعه اقتصادهای محلی و کوچک کمک بسیار فراوانی کند. تقویت ساختار بازار و قوانین ورزش در سطوح استانی و منطقه‌ای می‌تواند به رشد صنعت ورزش و منافع اقتصادی ناشی از آن در این مناطق کمک کند. شاید بعضی از جنبه‌های ورزش مانند هزینه‌های زیربنایی و زیرساختی در مراحل ابتدایی، یک کالای عمومی محسوب شوند و در بازار شکست بخورند و به دخالت و حمایت دولت نیاز باشد تا با استفاده از بازدهی‌ها نسبت به مقیاس، واحدهای ورزشی توانایی اداره به‌صورت خصوصی را در خود ایجاد کنند. در مباحث تجارت بین‌الملل این موضوع با عنوان «حمایت از صنایع نوزاد» مطرح می‌شود که نیازمند در نظر گرفتن سازوکارهای حمایتی است (کاویتوس و زیمنسکی^۳، ۲۰۱۰، ۱۶۰). در واقع، ورزش و تفریحات سالم به‌عنوان یک صنعت پیش رو، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در توسعه نقش دارند. ورزش باعث افزایش سطح سلامت و تندرستی جامعه، کاهش هزینه‌های بهداشتی و درمانی، افزایش چشمگیر اشتغال و با ورود سرمایه‌های پولی و مالی باعث افزایش رشد اقتصادی در کشور می‌شود. در حال حاضر، ورزش و تفریحات سالم در کشورهای توسعه‌یافته به‌عنوان یک صنعت مهم و عامل اثرگذار بر رشد اقتصادی این کشورهاست. کشورهای دنیا با ایجاد زیرساخت‌های لازم برای برگزاری رویدادهای جهانی و قاره‌ای، زمینه را برای ایجاد رشد اقتصادی خود هموار کرده‌اند (رئیس، ۲۰۱۴، ۵۰). شاید نتوان به‌سادگی اثرهای گسترده ورزش را برشمرد که به‌صورت فزاینده‌ای بر ابعاد گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه تأثیرگذار هستند. براساس نتایج پژوهش‌ها، در جوامعی که نارسایی‌های کمی و کیفی ورزش وجود دارد، عقب‌افتادگی آن جامعه نیز

-
1. Blanco, Martínez & Notario
 2. World Bank
 3. Kavetsos & Szymanski

چشمگیر است؛ از این رو، می‌توان به جنبه‌های گوناگون اقتصاد ورزش نظیر ایجاد اشتغال مستقیم و غیرمستقیم تولید کالاها، تجهیزات و مکمل‌های غذایی در ورزش، صادرات کالاها و خدمات ورزشی (تجارت بین‌الملل)، رونق گردشگری و توسعه بازارهای محلی از طریق حوادث و رویدادهای ورزشی و افزایش رفاه عمومی و سرمایه اجتماعی و انسانی در جامعه اشاره کرد (غفوری یزدی، محمودی، خبیری، اسلامی، ۲۰۱۳، ۵۸؛ رئیسی، ۲۰۱۴، ۵۰).

در مطالعات، نقش اقتصادی ورزش به دو گروه تأثیرات اقتصادی مستقیم و غیرمستقیم تقسیم شده است. در بررسی اثرهای اقتصادی مستقیم، به ورزش به‌عنوان تفریح و فعالیت جسمانی نگریسته می‌شود (کاپلان و می‌یر، ۲۰۱۶، ۱۵۰)؛ بدین ترتیب، اثرهایی همچون تولید کالاها و خدمات ورزشی، صادرات و واردات، هزینه‌های خانوار، ایجاد اماکن و تسهیلات، تبلیغات، پوشش رسانه‌ای، اشتغال و جذب گردشگر و حامیان مالی را دربر می‌گیرد. اثرهای اقتصادی غیرمستقیم ورزش بر ارتقای سلامتی و کاهش هزینه‌های درمان و به تبع آن توسعه برنامه‌های ملی و نیروی کار است و در کاهش هزینه‌های درمانی خانوار و دولت نقش اساسی دارد (کاپلان و می‌یر، ۲۰۱۶، ۱۵۰؛ دولینگ و واشینگتون، ۲۰۱۷، ۱۴۲). جنبه‌های اقتصاد غیرمستقیم بیش‌ازپیش مدنظر پژوهشگران حوزه‌های توسعه انسانی و توسعه اقتصادی قرار گرفته است؛ زیرا، این اثرها در برنامه‌های ملی توسعه‌ای نقش پررنگی دارند. در واقع، در پژوهش‌های گوناگونی به اقتصاد دانش‌بنیان و مؤلفه‌های آن اشاره شده است. در برخی مطالعات به موضوع اقتصاد دانش‌بنیان پرداخته شده است که می‌توان به پژوهش غفار، بیدون، شن، تیببن، ژو^۳ (۲۰۱۲) اشاره کرد. آن‌ها برای اقتصاد دانش‌بنیان به مقوله‌های کاربرد علم، توانمندسازی، تخصص‌گرایی و نهادسازی اشاره کرده‌اند. ویلینسکی^۴ (۲۰۱۶) و کاریلو^۵ (۲۰۱۵) به تحقیق و توسعه، سیستم ابداعات، مدیریت دانش، سرعت عملکردی و نهادینه‌سازی دانش اشاره کرده‌اند. رئیسی، حسینی، طالب پور، نظری (۲۰۱۴) نشان دادند که مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان تحت‌تأثیر به‌کارگیری دانش، ذخیره دانش، کسب دانش و انتقال دانش هستند. هالت، کامیره، تاممینن، پانکو^۶ و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که ترجمه دانش در بین ذی‌نفعان سازمان‌های ورزشی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های رشد اقتصادی و تبدیل‌شدن به شبکه‌های دانش‌بنیان است. در مطالعه آن‌ها نشان داده شد که خلق دانش و چرخه آن در بهسازی شرایط جامعه نقشی اساسی ایفا می‌کند. ویلیام،

-
1. Culpan & Meier
 2. Dowling & Washington
 3. Ghaffar, Beydoun, Shen, Tibben, & Xu
 4. Wilinski
 5. Carrillo
 6. Holt, Camiré, Tamminen, Pankow, et al

گریگینوف و توهی^۱ (۲۰۱۹) به این نتیجه رسیدند که هیئت‌های حاکمه ورزشی^۲ می‌توانند به‌عنوان واسطه‌های دانش در عرصه ورزش همگانی جوامع نقش ایفا کنند. در واقع، جوامع بستری را برای یادگیری اجتماعی فراهم می‌کنند و این امر الزامی برای تحقق هدف‌های اقتصادی در جامعه خواهد بود. کریل و کاسکلی^۳ (۲۰۱۸) در پژوهشی به‌منظور شناسایی الزامات و تعیین‌کننده‌های شفافیت در سازمان‌های ورزشی ملی به این نتیجه رسیدند که تولید دانش در سطح سازمان و توزیع بهنگام آن می‌تواند به شفافیت ساختار در سازمان‌های ورزشی ملی کمک کند و پیامدهایی نظیر رشد اقتصاد دانش‌بنیان را برای سازمان به‌همراه داشته باشد.

غفوری یزدی و همکاران (۲۰۱۳) نشان دادند که خلق دانش و سازمان‌دهی دانش، ارتباط معناداری با هم داشته و شرایط پیش‌بینی‌کنندگی برای تحقق اقتصاد دانش‌بنیان در اداره کل ورزش و جوانان خراسان رضوی دارند. قره‌داغی، کاووسی و کریمی (۲۰۱۱) بیان کردند که اجزای مهم اقتصاد دانشی را خلاقیت، داده‌ها و اطلاعات، سرمایه دانشی و نوآوری تشکیل می‌دهند. پورفرج، کشاورز، انصاری (۲۰۱۴) ذکر کردند که اقتصاد دانش‌بنیان نیازمند ایجاد برخی تغییرات فرهنگی برای بهبود کسب و کاربرد دانش است. کاریلو (۲۰۱۵) در پژوهشش به ماهیت منعطف اقتصاد دانش‌بنیان و نقش فرهنگ متناسب با ارزش‌های اقتصادی در جامعه اشاره کرده است. تالپوس، پاپ، وادوا و کاوکس^۴ (۲۰۱۷) بیان کردند که باید مدل جدید رهبری ایجاد شود که این مدل مبتنی بر دانش است و باعث افزایش اثرهای کسب‌وکار در اقتصاد دانش‌بنیان می‌شود. به عقیده معمارنژاد (۲۰۰۳)، وجود محیط مناسب اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و قانونی برای سرمایه‌گذاری، تولید و تجارت، آموزش و سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی، سیاست‌های حمایتی دولت و فناوری اطلاعات و ارتباطات پیش‌نیازهای اقتصاد دانش‌بنیان هستند. همچنین، ناظران و اسلامی فر (۲۰۰۸) بیان کردند که پیشرفت علمی و اقتصادی مستلزم تحول محیط اقتصادی و کاربردی‌شدن دانش پیشرفته در متن زندگی اقتصادی است.

با توجه به نکات مطرح‌شده در پژوهش‌های پیشین، می‌توان این احتمال را داد که مزایای اقتصادی ناشی از دانش موجود در ورزش می‌تواند به درآمدزایی در این حوزه از طریق تأسیس پارک‌های علم و فناوری در ورزش و شرکت‌های دانش‌بنیان کمک کند. در واقع، این امر می‌تواند به تحقق اهداف بالادستی کمک کند و زمینه‌های به‌روز فعالیت‌های جدید در این عرصه را فراهم آورد. براساس جست‌وجوهای علمی، شکاف‌های زیادی بین عرصه نظر و عمل در اقتصاد ورزش کشور مشاهده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که مباحث نظری موجود بیشتر دارای مصادیق نظری ورزش حرفه‌ای با تعریف پذیرفته‌شده بین‌المللی و غربی هستند و این خود

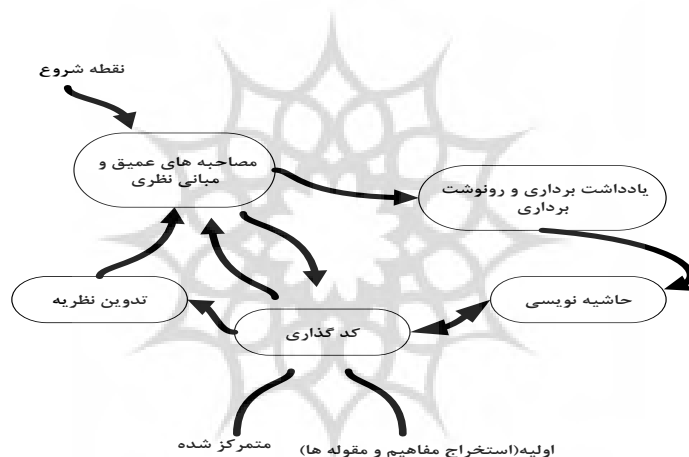
-
1. Willem, Girginov & Toohey
 2. Governing Bodies of Sports
 3. Král & Cuskelly
 4. Talpos, Pop, Văduva & Kovács

نمی‌تواند از لحاظ عملی و حتی نظری با توجه به بسترهای اقتصادی و سیاسی کشور استفاده شود. در واقع، تولید دانش بومی با توجه به ویژگی‌های گوناگون ورزشی در کشور می‌تواند تاحدی این مشکل را در عرصه اقتصاد دانش‌بنیان برطرف کند. به دلیل جدید بودن مفهوم اقتصاد دانش‌بنیان، مدل‌هایی برای بهره‌گیری و کاربرد آن‌ها در عرصه ورزش ارائه نشده‌اند؛ بنابراین، این امر فرصتی را برای ارائه مدل اقتصاد دانش‌بنیان در ورزش فراهم می‌کند و این الزام را ایجاد می‌کند که برای تبیین مفهوم اقتصاد دانش‌بنیان در ورزش و گشایش باب‌های پژوهشی جدید در این حوزه، به انجام دادن پژوهش‌هایی اقدام شود. دغدغه اصلی در پژوهش حاضر این است که ورزش می‌تواند از راه‌های متفاوتی بر رشد و توسعه اقتصادی تأثیرگذار باشد، مبحث اقتصاد از حالت سنتی خود خارج شود و اقتصاد دانش‌بنیان یکی از مباحث نوین اقتصادی است؛ براین اساس، موضوعی که به شکل‌گیری این پژوهش منجر شده است، اهمیت اقتصاد دانش‌بنیان در تحقق اهداف کلان اقتصادی، ضرورت پرداختن به موضوعات مرتبط با اقتصاد ورزشی با توجه به اهمیت و نقش آن‌ها در جامعه و همچنین، شناخت مطلوب برای بهره‌گیری از فرصت‌های موجود در ورزش کشور با بهره‌گیری از اقتصاد مبتنی بر دانش بومی در عرصه ورزش است؛ بنابراین، در این پژوهش قصد داریم مؤلفه‌ها و سطوح اقتصاد دانش‌بنیان در ورزش را شناسایی کنیم.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با ماهیت اکتشافی و با هدف گسترش دانش و شناخت موجود در مورد اقتصاد دانش‌بنیان در عرصه ورزش انجام شد. این مطالعه بر مبنای جست‌وجوی داده‌ها، دارای ماهیت کیفی است. در این پژوهش از راهبرد نظریه داده‌بنیاد^۱ استفاده شد. با استفاده از این راهبرد پژوهشگر می‌تواند از بین حجم انبوهی از داده‌ها، به‌طور سیستماتیک وجوه اشتراک را استخراج کند و براساس آن، به نظریه‌پردازی در حوزه پژوهشی خود بپردازد. این راهبرد از نوعی رویکرد استقرایی بهره می‌گیرد. هدف عمده این راهبرد، تبیین یک پدیده از طریق مشخص کردن عناصر کلیدی (مفاهیم، مقوله‌ها و قضیه‌ها) آن پدیده و سپس طبقه‌بندی روابط این عناصر درون بستر و فرایند آن پدیده است. تولید و خلق مفاهیم، مقوله‌ها و قضیه‌ها نیز فرایندی چرخه‌ای-تکراری است. در این روش، سؤال‌های پژوهش به‌جای آنکه به شکل فرضیه‌های خاص مطرح شوند، باید باز و کلی باشند و نظریه حاصل باید تبیین‌کننده پدیده‌ای باشد که بررسی می‌شود (امیری و نوروزی سیدحسینی، ۲۰۱۳، ۹۹-۹۳). به‌منظور ارائه یک مدل نظام‌مند و شماتیک از یافته‌های برخاسته از داده‌های کدگذاری شده و همچنین کسب مدلی از دل داده‌ها و بهره‌گیری نظام‌مند و هم‌زمان از مبانی نظری و

مصاحبه‌ها، سعی شد از رویکرد ساخت‌گرا^۱ در نظریه داده بنیاد استفاده شود که چارمز^۲ (۲۰۰۶) آن را ارائه کرد. در این رویکرد، پژوهشگر نقش فعالی در تفسیر و معنی‌بخشی به مفاهیم و مقوله‌ها دارد و از منابع موجود داده‌ها تفسیری‌های کنشگرانه‌ای را ارائه می‌کند. فرایندهای هم‌پوش در تحلیل ساخت‌گرای نظریه داده بنیاد وجود دارد که عبارت‌اند از: کدگذاری اولیه^۳، کدگذاری متمرکز شده^۴ و کدگذاری نظری^۵. در اجرای پژوهش، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به‌طور آگاهانه هم‌زمان انجام شد. در این راستا، منابع نظری اشاره شده در مصاحبه‌ها و مکتوبات واکاوی شدند و برخی از متون به‌عنوان منبع کدهای اولیه تحلیل شدند. با این کار برای پژوهشگر فرصت‌هایی فراهم شد تا میزان کفایت مقوله‌های مناسب را افزایش دهد. به‌صورت کلی، رویه اجرای پژوهش (جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل هم‌زمان داده‌ها) در شکل شماره یک آمده است (دانایی‌فرد، ۲۰۱۰، ۳۷۰).



شکل ۱- مراحل جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل هم‌زمان داده‌ها از طریق رویکرد ساخت‌گرا (چارمز، ۲۰۰۶)

از آنجاکه فرایند این پژوهش لایه‌های گوناگونی دارد، به‌صورت خلاصه پیازه (لایه‌های) فرایند پژوهش (دانایی‌فرد، ۲۰۱۰) در جدول شماره یک ارائه شده است.

1. Constructing Approach
2. Charmaz
3. Initial Coding
4. Focused Coding
5. Theoretical Coding

جدول ۱- ساختار پیاژه فرایند پژوهش

مؤلفه	نوع
ماهیت پژوهش	اکتشافی-بنیادی
نحوه انجام پژوهش	رویکرد کیفی
پارادایم حاکم بر پژوهش	تفسیری-برساختی
رویکرد پژوهش	استقرایی
راهبرد پژوهش	نظریه داده‌بنیاد
منبع گردآوری داده‌ها	مصاحبه‌های عمیق و مطالعات نظری موجود
روش تجزیه و تحلیل داده‌ها	مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی/ساخت‌گرا

در انتخاب مشارکت‌کنندگان در پژوهش برای اجرای مصاحبه‌های عمیق، سعی شد تا هم از افراد دارای تحصیلات دانشگاهی (اعضای هیئت‌علمی) و هم از افراد دارای تجربیات مدیریتی در عرصه ورزش استفاده شود. جامعه پژوهش اعضای هیئت‌علمی رشته‌های مدیریت ورزشی، مدیریت دولتی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، توسعه و برنامه‌ریزی اقتصادی و همچنین کارآفرینان، مدیران و رؤسای پارک‌های فناوری و دانش‌بنیان بودند.

برای انتخاب مشارکت‌کنندگان برای اجرای مصاحبه‌های عمیق از روش نمونه‌گیری هدفمند^۱ و تکنیک نمونه‌گیری گلوله‌برفی^۲ استفاده شد. برای اجرای نمونه‌گیری ابتدا فهرستی از ویژگی‌های مدنظر در مشارکت‌کنندگان (یعنی داشتن معیارهای مدنظر از منظر آشنایی با موضوع پژوهش، تدریس و تجربه در امور مرتبط با اقتصاد دانش‌بنیان) تهیه شد و سپس، با مشارکت‌کنندگان مصاحبه‌های عمیق برگزار شد. پس از اتمام هر مصاحبه، از هریک از افراد مصاحبه‌شده خواسته شد تا خبره بعدی را پیشنهاد کنند. این کار تا زمانی ادامه یافت که با تمام افراد معرفی‌شده از سوی خبرگان، مصاحبه شده باشد. در جدول شماره دو ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان ارائه شده است.

1. Purposive
2. Snow Ball

جدول ۲- ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان (مصاحبه‌شوندگان) پژوهش

ردیف	سمت	رشته تحصیلی	حوزه فعالیت	
			تحصیلات	اجرایی دانشگاهی
۱	رئیس پارک فناوری	مدیریت	کارشناسی ارشد	*
۲	مدیر پارک فناوری	تربیت بدنی	کارشناسی ارشد	*
۳	کارآفرین ورزشی	تربیت بدنی	کارشناسی ارشد	
۴	کارآفرین ورزشی	تربیت بدنی	دکتری تخصصی	*
۵	کارآفرین ورزشی	مدیریت	کارشناسی ارشد	*
۶	عضو هیئت علمی دانشگاه	توسعه اقتصادی	استاد	*
۷	عضو هیئت علمی دانشگاه	مدیریت ورزشی	استاد	*
۸	عضو هیئت علمی دانشگاه	مدیریت ورزشی	دانشیار	*
۹	عضو هیئت علمی دانشگاه	مدیریت ورزشی	دانشیار	*
۱۰	عضو هیئت علمی دانشگاه	مدیریت دولتی	دانشیار	*
۱۱	عضو هیئت علمی دانشگاه	اقتصاد توسعه	دانشیار	*
۱۲	عضو هیئت علمی دانشگاه	جامعه‌شناسی	دانشیار	*
۱۳	عضو هیئت علمی دانشگاه	اقتصاد	دانشیار	*

در مجموع، ۱۲ مصاحبه با خبرگان و متخصصان انجام شد. در واقع، نمونه‌گیری تا جایی ادامه یافت (۱۲ مصاحبه) که تحلیل به اشباع نظری و کفایت رسید؛ به عبارتی، زمانی که تحلیل و جمع‌آوری هم‌زمان داده‌ها به این نقطه رسید که مؤلفه‌های مانع و جامعی به دست آمدند، روند تحلیل پایان یافت. در جدول شماره ۳، نمونه‌ای از روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داده شده است.

جدول ۳- نمونه‌ای از کدگذاری داده‌های پژوهش

مقوله	مفاهیم	گزاره منطقی	نشانگر
	برقراری نظم و ترتیب	برقراری نظم و ترتیب	P5
		موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای	P5-9
مشوق‌های اقتصادی و رژیم نهادی	تسهیلات تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای	رفع موانع کسب‌وکار	P5-12
		رفع موانع	P5-10
		وجود موانع جدی در بعد بین‌المللی	P7
	نهاد	قانون و مقررات	P5-7
		ایجاد مدیریت هزینه	P2
	مدیریت هزینه	مدیریت هزینه و وابستگی ورزش به دولت	P2-8

ادامه جدول ۳- نمونه‌ای از کدگذاری داده‌های پژوهش

مقوله	مفاهیم	گزاره منطقی	نشانه‌گر
مشوق‌های اقتصادی و رژیم نهادی	مدیریت منابع	کاهش هزینه‌های فعالیت ورزشی	P7-12
		کاهش هزینه‌های خریدوفروش بازیکن	P2
		جلوگیری نظام اقتصادی از اتلاف منابع	P7-11
		اتلاف منابع	P8
		کاهش آشفته‌گی‌های اقتصادی	P3-5
		ضعف سیستم اقتصادی	P8-9
		سوددهی زیاد	P8-10
		افزایش دانش و بازده صعودی	P7-12
		بازده صعودی در مقیاس	P7-11
		بازده صعودی در مقیاس	P7-11

برای تعیین موثق‌بودن داده‌ها^۱ (که در مطالعات کیفی معادل پایایی و روایی در مطالعات کمی است)، از دو روش بازکدگذاری^۲ توسط یک پژوهشگر دیگر و روش بازبینی اعضا^۳ استفاده شد. در روش بازکدگذاری، ۱۰ درصد از همه صفحات کدگذاری‌های انجام‌شده در اختیار یک پژوهش دیگر قرار گرفت. همچنین، برای تأییدپذیری از روش بازبینی اعضا استفاده شد (امیری و همکاران، ۲۰۱۳). کدگذاری‌ها و مدل نهایی در اختیار سه نفر از مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت و آن‌ها نظرهای خود را اعمال کرده و درنهایت، مدل کلی پژوهش را تأیید کردند.

نتایج

نتایج حاصل از مصاحبه با اساتید خبره در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان و صنعت ورزش کشور، در جدول شماره چهار کدگذاری و تلخیص شده است.

1. Trustworthiness
2. Re-Coding
3. Member Checking

جدول ۴- مؤلفه‌ها و مقوله‌های اصلی مدل

مقوله‌ها	کد متمرکز شده	مقوله‌ها	کد متمرکز شده
تولید دانش محور فرایند مستمر کارا ارزش افزوده فناوری محور توسعه محور کلان نگر	ماهیت اقتصاد دانش بنیان در ورزش	زیرساخت‌های اطلاعاتی بازاریابی بسترهای توسعه‌ای اطلاع رسانی الزامات حقوقی شاخص عملکرد اقتضانات اخلاقی و کنش اجتماعی	اقتصاد دانش بنیان معطوف به سازمان
کاربرد علم توانمندسازی تخصص گرایی نهادسازی رقابت طلبی کنش‌های شناختی هویت فرهنگی پژوهش محوری نوآوری سیستم ابداعات مدیریت تولید مدیریت دانش سرعت عملکردی خودکارآمدی نهادینه‌سازی دانش نهاد تحقیق و توسعه تنوع گرایی	اقتصاد دانش بنیان معطوف به فرد	حمایت و پشتیبانی ساختار و فرایند تولیدی تغییر ساختار مشاغل تحول ساختار حمایت‌های مالی حمایت‌ها و تسهیلات کلان الزامات و بسترهای اقتصاد دانش بنیان الزامات زیست محیطی تحول تیم آموزشی محصولات مجازی عملکرد کلان نگر خصوصی سازی مشوق‌های سرمایه گذاری مشوق‌های اقتصادی و رژیم نهادی تفکر کلان نگر سرمایه گذاری انسانی رونق و رشد اقتصادی صنایع دانش بنیان توسعه سرمایه اجتماعی توسعه انسانی توسعه ورزش توسعه علمی توسعه خلاقیت	اقتصاد دانش بنیان معطوف به جامعه
امنیت و ایمنی توسعه نهادی توسعه نوآوری توسعه فناورانه امنیت و ایمنی	اقتصاد دانش بنیان معطوف به جامعه	توسعه سرمایه اجتماعی توسعه انسانی توسعه ورزش توسعه علمی توسعه خلاقیت	اقتصاد دانش بنیان معطوف به جامعه

براساس مدل پژوهش، اقتصاد دانش بنیان دارای سه سطح است: اقتصاد دانش بنیان معطوف به فرد، اقتصاد دانش بنیان معطوف به سازمان و اقتصاد دانش بنیان معطوف به جامعه. در هسته مدل، مؤلفه‌های اصلی اقتصاد دانش بنیان در ورزش آورده شده است که مؤلفه‌های اقتصاد دانش بنیان در ورزش در مدل نشان داده شده‌اند (شکل شماره دو).

سازمان و اقتصاد معطوف به جامعه. منطق و خردمایی این چنین دسته‌بندی مدل اقتصاد دانش‌بنیان در ورزش را می‌توان براساس دسته‌بندی مدل‌ها و نظریه‌ها توجیه کرد. در گذشته، نظریه‌ها به صورت کلی به دو سطح خرد و کلان تقسیم می‌شدند، اما پس از مطرح شدن نظریه برد متوسط^۱ توسط رابرت مرتن^۲، نظریه‌ها سه سطح خرد، میانی و کلان به خود گرفتند. در واقع، با تلفیق نظریه و تجربه، تحلیل علمی و کاربردی و ملاحظه فرهنگ، جامعه و فرد، نظریه خود را با عنوان «نظریه برد متوسط» ارائه داد. به اعتقاد مرتن، نظریه‌ها به لحاظ تنوع در عناوین و مصادیقشان در معنی سیستم‌های آگزیوماتیکی به کار برده می‌شوند (مرتون، ۱۹۶۷، ۸۸)؛ از این رو، اصلاح نظریه اغلب مبهم است و به ارائه مصادیق نیاز دارد. از نظر مرتن، نظریه‌ها را می‌توان در قالب مدل‌ها ارائه داد که به فرضیه‌های خاصی توجه دارند و پژوهشگران در یک حرکت سیستماتیک فراگیر به مشاهده و تبیین رفتار فردی، اجتماعی و محیطی می‌پردازند؛ بنابراین، می‌توان بیان کرد که مدل‌ها می‌توانند همان نظریه‌ها باشند که باید دارای سه سطح خرد، میانی و کلان باشند (ویک^۳، ۱۹۷۴، ۳۶۰). در این پژوهش در دسته‌بندی ارائه شده در مدل، سعی شده است این مسائل در نظر گرفته شود. اقتصاد دانش‌بنیان معطوف به فرد معادل سطح خرد مدل، اقتصاد دانش‌بنیان معطوف به سازمان معادل سطح میانی مدل و اقتصاد دانش‌بنیان معطوف به جامعه معادل سطح کلان مدل در نظر گرفته شده‌اند.

اقتصاد دانش‌بنیان معطوف به فرد شامل مؤلفه‌هایی از قبیل کاربرد علم، توانمندسازی، تخصص‌گرایی، نهادسازی، رقابت‌طلبی، کنش‌های شناختی، هویت فرهنگی، پژوهش‌محوری، نوآوری، تحقیق و توسعه، تنوع‌گرایی، امنیت و ایمنی، سیستم ابداعات، مدیریت تولید، مدیریت دانش، سرعت عملکردی، خودکارآمدی، نهادینه‌سازی دانش و نهاد است. این مؤلفه‌ها اساس و پایه‌های توانایی‌های بالقوه افراد را در سطح خرد جامعه تشکیل می‌دهند و در واقع، حضور این مؤلفه‌ها برای داشتن کارکرد مناسب در جامعه یا بستری که فرد در آن فعالیت می‌پردازد، الزامی است. در سطح دسته‌بندی بعدی، اقتصاد دانش‌بنیان معطوف به سازمان قرار دارد که شامل مؤلفه‌هایی از قبیل زیرساخت‌های اطلاعاتی، بازاریابی، بسترهای توسعه‌ای، اطلاع‌رسانی، الزامات حقوقی، شاخص عملکرد، اقتضانات اخلاقی و کنش اجتماعی، حمایت و پشتیبانی، ساختار و فرایند تولیدی، تغییر ساختار مشاغل، تحول ساختار، حمایت‌های مالی، حمایت‌ها و تسهیلات کلان، الزامات و بسترهای اقتصاد دانش‌بنیان، الزامات زیست‌محیطی و تحول تیم آموزشی است. در واقع، این مؤلفه‌ها راه‌های رسیدن به اقتصاد دانش‌بنیان معطوف به جامعه هستند و حضور این مؤلفه‌ها برای رسیدن به اقتصاد دانش‌بنیان در ورزش الزامی است. در سطح دسته‌بندی نهایی، اقتصاد دانش‌بنیان معطوف به جامعه قرار دارد که شامل مؤلفه‌هایی از قبیل محصولات مجازی، عملکرد کلان نگر، خصوصی‌سازی،

-
1. Middle Range Theory
 2. Robert Merton
 3. Weick

مشوق‌های سرمایه‌گذاری، مشوق‌های اقتصادی و رژیم نهادی، تفکر کلان‌نگر، سرمایه‌گذاری انسانی، رونق و رشد اقتصادی، صنایع دانش‌بنیان، توسعه سرمایه اجتماعی، توسعه انسانی، توسعه ورزش، توسعه علمی، توسعه خلاقیت، توسعه نهادی، توسعه نوآوری، توسعه فناورانه و توسعه کارآفرینی هستند. این مؤلفه‌ها در مرحله نهایی‌شدن، از خروجی‌های مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان در ورزش در سطح کلان جامعه محسوب می‌شوند.

اقتصاد دانش‌بنیان معطوف به فرد شامل مؤلفه‌هایی از قبیل کاربرد علم، توانمندسازی، تخصص‌گرایی، نهادسازی، رقابت‌طلبی، کنش‌های شناختی، هویت فرهنگی، پژوهش‌محوری، نوآوری، تحقیق و توسعه، تنوع‌گرایی، امنیت و ایمنی، سیستم ابداعات، مدیریت تولید، مدیریت دانش، سرعت عملکردی، خودکارآمدی، نهادینه‌سازی دانش و نهاد است. در پژوهش‌های غفار و همکاران (۲۰۱۲)، کاریلو (۲۰۱۵) و ویلینسکی (۲۰۱۶) به این مقوله‌ها اشاره شده است. در بین این مؤلفه‌ها، مصاحبه‌کنندگان بیشترین توافق نظر را در مورد مدیریت دانش و نهادینه‌سازی دانش داشتند که این مؤلفه‌ها اساس و پایه‌های توانایی‌های بالقوه افراد را در سطح خرد جامعه تشکیل می‌دهند و در واقع، حضور این مؤلفه‌ها برای داشتن کارکرد مناسب در جامعه یا بستری که فرد در آن فعالیت می‌پردازد، الزامی است. قره‌داغی و همکاران (۲۰۱۱) اجزای مهم اقتصاد دانشی را خلاقیت، داده‌ها و اطلاعات، سرمایه دانشی و نوآوری معرفی کرده‌اند؛ در حالی که دانش به‌عنوان ابزاری سازمانی برای کسب و حفظ مزیت رقابتی به‌شمار می‌رود. پورفرج و همکاران (۲۰۱۴) بیان کردند که اقتصاد دانش‌بنیان نیازمند ایجاد برخی تغییرات فرهنگی است که این تغییرات از یک‌طرف کسب و کاربرد دانش را تسهیل می‌کنند و از طرف دیگر، استفاده درست از دانش و فناوری‌های جدید در راستای مصالح جامعه را امکان‌پذیر می‌کند. رئیس‌ی و همکاران (۲۰۱۴) نشان دادند که مؤلفه‌های به‌کارگیری دانش، ذخیره دانش، کسب دانش و انتقال دانش، به‌ترتیب بیشترین اهمیت را در پیش‌بینی تغییرات اثربخشی سازمانی دارند. همچنین، نقش مدیریت دانش در رویدادهای ورزشی به‌خصوص ذخیره و انتقال تجربیات و دانش کسب‌شده در یک رویداد بزرگ ورزشی مثل بازی‌های المپیک، آسیایی و ... برای سایر کشورهای میزبان که برای نخستین بار میزبانی یک رویداد بین‌المللی را به‌عهده می‌گیرند، بسیار اهمیت دارد. غفوری یزدی و همکاران (۲۰۱۳) نیز نشان دادند که خلق دانش و سازمان‌دهی دانش ارتباط معناداری با هم دارند.

در سطح دسته‌بندی بعدی، اقتصاد دانش‌بنیان معطوف به سازمان قرار دارد که شامل مؤلفه‌هایی از قبیل زیرساخت‌های اطلاعاتی، بازاریابی، بسترهای توسعه‌ای، اطلاع‌رسانی، الزامات حقوقی، شاخص عملکرد، اقتضانات اخلاقی و کنش اجتماعی، حمایت و پشتیبانی، ساختار و فرایند تولیدی، تغییر ساختار مشاغل، تحول ساختار، حمایت‌های مالی، حمایت‌ها و تسهیلات کلان، الزامات و بسترهای اقتصاد دانش‌بنیان،

الزامات زیست‌محیطی و تحول تیم آموزشی است. مصاحبه‌کنندگان بیشترین توافق نظر را در مورد مؤلفه الزامات و بسترهای اقتصاد دانش‌بنیان داشتند. این مؤلفه‌ها راه‌های رسیدن به اقتصاد دانش‌بنیان معطوف به جامعه هستند و در واقع، حضور این مؤلفه‌ها برای رسیدن به اقتصاد دانش‌بنیان در ورزش الزامی است. همان‌گونه که معمارنژاد (۲۰۰۳) بیان می‌کند، وجود محیط مناسب اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و قانونی برای سرمایه‌گذاری، تولید و تجارت، آموزش و تعلیم و تربیت یا سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی، سیاست‌های حمایتی دولت و فناوری اطلاعات و ارتباطات از جمله پیش‌نیازهای اقتصاد دانش‌بنیان است. برای دستیابی به اقتصاد دانش‌بنیان باید شرایط لازم برای ابداع و نوآوری فراهم شود تا توانایی تبدیل ایده‌ها به محصولات از طریق سرمایه‌گذاری، به تولید محصولات جدید منجر شود. همچنین، ناظران و همکاران (۲۰۰۸) بیان کرده‌اند که گسترش آموزش و پژوهش‌های علمی محض، به‌تنهایی برای ارتقای سطح توسعه‌یافتگی کافی نیست و پیشرفت علمی و اقتصادی مستلزم تحول محیط اقتصادی در طول زمان و کاربردی‌شدن دانش پیشرفته در متن زندگی اقتصادی، به‌ویژه در فرایند جهانی‌شدن، تولید و تجارت است.

در سطح دسته‌بندی نهایی، اقتصاد دانش‌بنیان معطوف به جامعه قرار دارد که شامل مؤلفه‌هایی از قبیل محصولات مجازی، عملکرد کلان‌نگر، خصوصی‌سازی، مشوق‌های سرمایه‌گذاری، مشوق‌های اقتصادی و رژیم نهادی، تفکر کلان‌نگر، سرمایه‌گذاری انسانی، رونق و رشد اقتصادی، صنایع دانش‌بنیان، توسعه سرمایه اجتماعی، توسعه انسانی، توسعه ورزش، توسعه علمی، توسعه خلاقیت، توسعه نهادی، توسعه نوآوری، توسعه فناورانه و توسعه کارآفرینی است. در سطح اقتصاد دانش‌بنیان معطوف به جامعه، مصاحبه‌کنندگان بیشترین توافق نظر را در مورد مؤلفه توسعه علمی دارند. در واقع، این مؤلفه‌ها در مرحله نهایی‌شدن، از خروجی‌های مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان در ورزش در سطح کلان جامعه و یکی از اثرهای مطلوب این نوع از اقتصاد در ورزش محسوب می‌شوند (ساندرسون، هریس و راسل، کایس^۱، ۲۰۰۰)؛ همان‌گونه که قره‌داغی و همکاران (۲۰۱۱) نشان دادند، دانش عامل اساسی افزایش بهره‌وری و توسعه اقتصادی است. امجدی و همکاران (۲۰۱۲) نیز بیان کردند که توسعه انسانی، رژیم اقتصادی و مشوق‌های اقتصادی، سیستم نوآوری و ابداع، آموزش و منابع انسانی و زیرساخت‌های اطلاعاتی بر تولید ناخالص داخلی کشورها تأثیر دارند.

همچنین، در هسته مدل اقتصاد دانش‌بنیان در ورزش، مؤلفه‌هایی برای اقتصاد دانش‌بنیان در ورزش آورده شده است که براساس آن‌ها، اقتصاد دانش‌بنیان در ورزش، اقتصادی دانش‌محور، کارا، فناوری‌محور، توسعه‌محور و کلان‌نگر با فرایندهای مستمر است که به ارزش‌افزوده منجر می‌شود. در قسمت تعریف اقتصاد دانش‌بنیان در ورزش، مصاحبه‌کنندگان بیشترین توافق نظر را در مورد مؤلفه کلان‌نگری داشتند. در این راستا، کاریلو (۲۰۱۵) نشان داد که ماهیت دانش‌بنیان با ماهیت صنعتی متضاد است؛ بدین‌صورت که فرهنگ اقتصادی جدید باید متناسب با جامعه دانش‌بنیان به‌وجود آید. جامعه دانش‌بنیان باید بتواند ارزش‌ها و

1. Sanderson, Harris., Russel & Chase

قابلیت‌های خود را با آن جامعه متناسب کند و جامعه‌ای که در آن فرهنگ دانش‌بنیانی جریان داشته باشد، می‌تواند تولید ایجاد کند (خلیفه، ۲۰۱۷، ۲۲). همچنین، تالپوس و همکاران (۲۰۱۷) بیان کرده‌اند که در عرصه رقابت، برنامه‌ریزی منابع انسانی و پیشرفت مدل جدید رهبری که مبتنی بر دانش باشد، باعث افزایش اثرهای کسب‌وکار در اقتصاد دانش‌بنیان می‌شود.

به‌صورت کلی، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که با توجه به مبانی نظری موجود، اقتصاد دانش‌بنیان دارای مفهومی منسجم به‌ویژه در حوزه ورزش نیست و در پژوهش‌های گوناگون فقط به آن اشاره‌هایی شده بود. در این پژوهش، مؤلفه‌ها و سطوح اقتصاد دانش‌بنیان در ورزش، طبق نظریه برد متوسط مطرح‌شده توسط رابرت مرتن به سه سطح طبقه‌بندی شدند: سطح خرد که معادل با اقتصاد دانش‌بنیان معطوف به فرد است، سطح میانی که معادل با اقتصاد دانش‌بنیان معطوف به سازمان است و سطح کلان که معادل با اقتصاد دانش‌بنیان در جامعه است و در هسته مدل مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان در ورزش قرار دارند. این مدل ادعای جامعیت ندارد، اما می‌تواند به‌عنوان بستری برای پژوهش‌های آینده و محل نقد پژوهشگران برای پیشبرد مفهوم اقتصاد دانش‌بنیان در ورزش قرار گیرد. از آنجا که نتایج این پژوهش براساس ویژگی‌های بومی کشور تدوین شده است و همچنین مبتنی بر نظرهای خبرگان در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان است، می‌تواند مبنایی برای پژوهش‌های آینده قرار گیرد و ابعاد جدیدی را در این حوزه معرفی کند. علاوه‌براین، از نتایج این مطالعه می‌توان در تعیین سیاست‌گذاری‌های حمایتی از مراکز دانش‌بنیان در ورزش و نیز رویه‌های تأسیس و حمایت مالی از پارک‌های فناوری و مراکز نوآوری ورزشی بهره گرفت.

درنهایت، از آنجا که این پژوهش با رویکرد کیفی و مبتنی بر مصاحبه با متخصصان انجام شد، پژوهشگران نمی‌توانند مؤلفه‌ها و سطوح شناسایی‌شده اقتصاد دانش‌بنیان در ورزش را در محک سنجش کمی قرار دهند؛ از این رو، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده، پژوهشگران با رویکرد کمی به بررسی مؤلفه‌ها و سطوح شناسایی‌شده اقتصاد دانش‌بنیان در ورزش بپردازند. همچنین، با انجام این پژوهش به شیوه تطبیقی، شکل مطلوبی از چندبعدی‌سازی^۱ نتایج و یافته‌ها را فراهم آورند تا از طریق آن‌ها بتوان با اطمینان بیشتری راهکارهای علمی را مطرح کرد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از تمامی افرادی که آن‌ها را در مراحل پژوهش یاری کرده‌اند، کمال تشکر و امتنان را داشته باشند.

1. Triangulation

References

1. Amiri, M., & Norouzi Seyed Hossini, R. (2013). An introduction on qualitative research method in sport. Tehran: Publication of University of Tehran. (Persian).
2. Amjadi, K., Rahbari, Gh., & Soltani, Gh. (2012). Analysis effects of knowledge-based economy index on GDPs. *Journal of Productivity Management*, 21, 83-104. (Persian).
3. APEC Economic Committee. (2001). Towards knowledge-based economics in APEC. APEC Secretariat, Singapore: 2(1), 23-49.
4. Blanco, C. H., Martínez, R., & Notario, A. V. (2017). Population sstructure and the human development index. Available at: <https://ideas.repec.org/p/ivi/wpasad/2017-04.html>
5. Carrillo, F. J. (2015). Knowledge-based development as a new economic culture. *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity*, 1(1), 123-43.
6. Charmaz, K. (2006). Grounding grounded theory: A practical guide through qualitative analysis. London: Sage Publications.
7. Cooke, P., & Leydesdorff, L. (2006). Regional development in the knowledge-based economy: The construction of advantage. *The Journal of Technology Transfer*, 31(1), 5-15.
8. Culpan, I., & Meier, C. (2016). Sport and the political economy: Considerations for enhancing the human condition. *Athens Journal of Sports*, 3(2), 143-54.
9. Danaee Fard. H.(2010). Theory building: Fundamental and methodologies. Tehran: SAMT Publication. (Persian).
10. Dowling, M., & Washington, M. (2017). Epistemic communities and knowledge-based professional networks in sport policy and governance: A case study of the Canadian sport for life leadership team. *Journal of Sport Management*, 31(2), 133-47.
11. Farajpour, A., Keshavarz, H., & Ansari, H. (2012). Cuture: Heart of knowledge-based economy in growth and economic development?. *Journal of Cultural Engineering*, 6(63), 13-28. (Persian).
12. Foray, D., & Lundvall, B. (1998). The knowledge-based economy: From the economics of knowledge to the learning economy. *The Economic Impact of Knowledge*, 47(6) , 115-21.
13. Ghaffar, A. R. A., Beydoun, G., Shen, J., Tibben, W., & Xu, D. (2012). A synthesis of a knowledge management framework for sports event management. *Proceedings of the 7th International Conference on Software Paradigm Trends Wollongong*, 494-9.
14. Ghafouri Yazdi, M., Mahmoud, A., Khabiri, M., Eslami, A. (2013). Regression analysis of the relationship between components of knowledge management and knowledge-based economics in Sport and Youth General Office of Khorasan Razavi. *Journal of New Trends in Sport Management*, 2014, 2(5), 49-62. (Persian).
15. Gharedaghi, R., Kawosi, T., Karimi, S. (2011). Analysis role of knowledge-based companies in knowledge economy with designing model. Paper presented at the Conference of Cooperative Entrepreneurship. (Persian).
16. Godin, B. (2006). The knowledge-based economy: Conceptual framework or buzzword? *The Journal of Technology Transfer*, 31(1), 17-30.
17. Holt, N. L., Camiré, M., Tamminen, K. A., Pankow, K., Pynn, S. R., Strachan, L & Fraser-Thomas, J. (2018). PYD Sport NET: A knowledge translation project bridging gaps between research and practice in youth sport. *Journal of Sport Psychology in Action*, 9(2), 132-46.
18. Král, P., & Cuskelly, G. (2018). A model of transparency: Determinants and implications of transparency for national sport organizations. *European Sport Management*

- Quarterly, 18(2), 237-62.
19. Kavetsos, G., & Szymanski, S. (2010). National well-being and international sports events. *Journal of Economic Psychology*, 31, 158-71.
 20. Khalifa, A. B. (2017). Direct and complementary effects of investment in knowledge-based economy on innovation performance in Tunisian firms. *Journal of the Knowledge Economy*, (2), 1-29.
 21. Memarnrzhad, A. (2003). Knowledge-based economy: Implementation, symbols, IRAN situation: Challenges and solutions. *Quarterly of Economics and New Trade*, 1, 83-108. (Persian).
 22. Merton, R. K. (1967). *On theoretical sociology*. New York: Free Press.
 23. Miles, I. (2000). Services innovation: Coming of age in the knowledge-based economy. *International Journal of Innovation Management*, 4(04), 371-89.
 24. Nazeman, H., & Eslamifar, A. (2008). Knowledge-based economy and Sustainable development (designing and testing of an analytical model with global data). *Journal of Knowledge and Development*, 17(33), 185-212.
 25. Pourfaraj, A., Keshawarz, H., & Ansari, H. (2012) Culture: heart of Knowledge based Economy in economic development, *journal of culture engineering*, 6(63): 12-23. (Persian).
 26. Raesi, M., Hosseini, E., Talebpoor, M., & Nazari, V. (2014). The Fit of Regression Equation of Knowledge Management and Organizational Effectiveness in Iran Selected Sport Organizations. *Journal of Sport Management*, 5(4), 47-65. (Persian).
 27. Sanderson, K., Harris, F., Russel, S., & Chase, S. (2000). The economic benefits of sport: A review. *Business and Economic Research Ltd (BERL)*.
 28. Talpoş, M. F., Pop, I. G., Văduva, S., & Kovács, L. A. (2017). Talent management and the quest for effective succession management in the knowledge-based economy. In *business ethics and leadership from an Eastern European, transdisciplinary Context (65-73)*. Springer, Cham.
 29. Weick, K. E. (1974). Middle range theories of social systems. *Behavioral Science*, 19(6), 357-67.
 30. Wilinski, M. (2016). Knowledge-based economy. Available at: http://www.badaniagospodarcze.pl/images/Working_Papers/11_november_2017_No_16.pdf.
 31. Willem, A., Girginov, V., & Toohey, K. (2019). Governing bodies of sport as knowledge brokers in Sport-for-All communities of practice. *Sport Management Review*, 22(5), 584-99.
 32. World Bank. (2015). World development indicators. Available at: <http://www.data.worldbank.org> (Accessed: 10 august 2017).

استناد به مقاله

امینی، مریم، اتقیا، ناهید، و نوروزی سید حسینی، رسول. (۱۳۹۹). شناسایی مؤلفه ها و سطوح اقتصاد دانش‌بنیان در ورزش (رویکردی کیفی). مطالعات مدیریت ورزشی، ۱۲ (۶۰)، ۴۱-۶۰. شناسه دیجیتال: 10.22089/smrj.2019.6764.2403

Amini, M., Atghia, N., & Norouzi Seyed Hosseini, R. (2020). Identifying Components and levels of Knowledge-Based Economy in Sport (A Qualitative Approach). Sport Management Studies. 12(60): 41-60. (Persian). DOI: 10.22089/smrj.2019.6764.2403

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Identifying Components and Levels of Knowledge-Based Economy in Sport (A Qualitative Approach)

M. Amini¹, N. Atghia², R. Norouzi Seyed Hosseini³

1. M.Sc. of Sport Management, Alzahra University, Tehran, Iran

2. Associate Professor of Sport Management, Alzahra University, Tehran, Iran
(Corresponding Author)

3. Assistant Professor of Sport Management, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Received: 2018/12/03

Accepted: 2019/01/26

Abstract

Because of Knowledge is the most important source of knowledge-based economy, Economy in sports is influenced by the evaluation of the knowledge-based economy. The aim of this study is Identifying and levels of knowledge-based economy in sport which was conducted through qualitative research method with fundamental-exploratory nature. Research data was collected through snowball sampling method and based on in-depth interviews with experts. Data were analyzed after coding according to grounded theory and data constructivist approach. The results indicated that knowledge-based economy is categorized into three levels: individual-dependent knowledge-based economy, organization-dependent knowledge-based economy and society-dependent knowledge-based economy. Institutionalizing of knowledge along with knowledge management in individual-dependent knowledge-based economy, requirements and substrates of the knowledge-based economy in organization-dependent knowledge-based economy, scientific development in society-dependent knowledge-based economy and holism in definitions of the knowledge-based economy in sport had the most agreement among the interviews. As a conclusion of findings, in knowledge-based economy in sport, production and distribution is based on application of information and knowledge. Regarding importance of levels and components of knowledge-based economy in sport, policymaker in sport must to prepare implements and practices.

Keywords: Economy, Knowledge-Based Economy, Economic Development, Sport, Qualitative Method.

1. Email: amini71.maryam@gmail.com

2. Email: N.atghia@Alzahra.ac.ir

3. Email: Rasool.norouzi@modares.ac.ir